**( 146 )**

**هو الله**

ای سلیل حبیب قدیم و رفیق دیرین من پدر بزرگوار در ایام عراق بحضور نیر آفاق شتافت و مدتی در ظل مبارک بود و با این عبد شب و روز انیس و مجالس فی الحقیقه از حیثیت اخلاق شهد آفاق بود در نهایت لطافت و حلاوت آنی مرا بی‌بشاشت نمیگذاشت دمبدم بهر وسیله‌ئی بود همدم و همنشین را مذاق شیرین و شکرین مینمود تا آنکه حکمت اقتضای مراجعت نمود رجوع بوطن کرد و از آنجا بطهران و از طهران بجهان بی‌پایان آن سلیل محترم را از برای من یادگار گذاشت الحمد لله خلف از عنصر جان و دل سلف است نه آب و گل نسبت حقیقی است الولد سر ابیه است از این جهت بسیار مسرورم مشعوفم خوشنودم که الحمد لله این نهال ثمره آنشجر بخشید و بطراوت و لطافت و حلاوت آن درخت فرخنده بخت جلوه نمود حال خدمات شما دمادم در مدرسه تربیت در قلب اینعبد مذکور که الحمد لله بهمت شما مدرسه تربیت پرتو هدایت گرفته و روز بروز ترتیبی جدیدی مییابد امیدوارم که این مدرسه مغرس نهالهای بیهمال گلشن الهی گردد و مخرج نحاریر آفاق شود بسیار همت فرمائید چون بخدمت اطفال الهی مشغولید هر روز بزیارت تربت مقدسه فی الحقیقه فائزید و علیک البهآء الابهی (ع ع)